

یک داستان واقعی
از پشت پرده آهین کره شمالی

Book.com

ترجمه بیژن اشتری

آکواریوم های پیونگ یانگ

چاپ چهارم



کانگ چول هوان و پییر ریگولو

فهرست

- مقدمه مترجم ۹
مقدمه ویراستار انگلیسی ۱۳
کودکی شاد در پیونگ یانگ ۲۵
پول و انقلاب می توانند با هم تفاهم داشته باشند ۲۷
سال بعد در پیونگ یانگ ۴۹
اقامت در اردوگاه کار اجباری در نه سالگی ۶۹
گروه کاری شماره ۱۰ ۸۵
گراز وحشی: معلم مسلح و آماده حمله ۱۰۵
مرگ قهرمان سیاه ۱۱۹
ذرت، سوسک ها و کنیاک مار ۱۳۱
مرگ در بودوک ۱۵۵
خرگوش های بسیار غبطه برانگیز ۱۶۷
جنونی که به تدریج بر زندانیان غلبه می کند ۱۸۷
جلسه های انتقادی و انتقاد از خود ۱۹۵
اعدام در ملاعام ۲۱۱
عشق در بودوک ۲۲۲
زندگی در کوهستان ۲۲۹
ده سال در اردوگاه: متشکرم پیشوای کبیر! ۲۳۷

۲۵۱

بهشت کره شمالی

۲۷۳

ازه‌گناه دوباره تهدید می‌کند

۲۸۵

فرار به چین

۳۰۵

خودفروشی سطح پایین و قاچاقچی‌گری سطح بالا

۳۱۵

آمدن به کره جنوبی

۳۲۵

کنار آمدن با دنیای سرمایه‌داری

۳۳۷

نوشتار واپسین؛ درخواست کمک از جهانیان

WWW.30Book.com



نویسنده (راست)، در ۱۹ سالگی، بعد از آزادی از بازداشتگاه
یودوک. به همراه (از چپ به راست) عموی کوچکش،
خواهرش مای - هو، مادر بزرگش، و عمه کوچکش.

مقدمه مترجم

کانگ چول-هوان^۱ در کتاب آکواریوم‌های پیونگ یانگ قصه واقعی زندگی خود را تعریف می‌کند. این مرد جوان زاده پیونگ یانگ در کره شمالی، زمانی که نه سال بیش‌تر نداشت، همراه دیگر اعضای خانواده خود (مادر بزرگ، پدر، عمو و خواهرش) محکوم شد به اقامت در یکی از اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی. جرم این خانواده، «خطای بزرگی» بود که پدر بزرگ کانگ چول-هوان، یکی از مدیران بلندپایه حکومت کمونیستی کره شمالی، مرتکب شده بود. کانگ چول-هوان و خانواده‌اش پس از تحمل ده سال سختی‌های اردوگاه، آزاد شدند. اما این مرد جوان کره‌ای دو سال بعد از آزادی‌اش تصمیم گرفت از کره شمالی فرار کند زیرا به اتهام گوش دادن به رادیوهای غیرمجاز در آستانه دستگیری و اعزام دوباره به اردوگاه کار اجباری بود. کانگ چول-هوان سرانجام از طریق چین به کره جنوبی گریخت. وی یکی از معدود جان به در بردگان از اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی است که موفق شده صدای خود را به گوش جهانیان برساند.

آکواریوم‌های پیونگ-یانگ ابتدا در سال ۲۰۰۰ به زبان فرانسوی با عنوان *Les Aquariumes de Pyongyang* منتشر شد. پیر ریگولت^۲، نویسنده فرانسوی و نگارنده کتاب معروف کتاب سیاه کمونیسم^۳، در نگارش کتاب آکواریوم‌های پیونگ-یانگ همکار کانگ چول-هوان بوده است. این کتاب در سال ۲۰۰۱ به

1. Kang Chol-Hwan

2. Pierre Rigoulot

۳. *The Black Book of Communism*، (انشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۷).

انگلیسی ترجمه و توسط انتشارات بیسیک بوکس^۱ چاپ و منتشر شد. کانگ چول-هوان در حال حاضر در یکی از روزنامه‌های کره جنوبی به نام چوزان ایلبو^۲ به عنوان نویسنده کار می‌کند.

کانگ چول-هوان در آواربوم‌های پیونگ‌یانگ برای اولین بار پرده از اردوگاه‌های کار اجباری کره شمالی برداشته است. اهمیت این کتاب از حیث افشای شبکه اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی برابر با کتاب یک روز در زندگی ایوان دنیسویچ^۳ اثر الکساندر سولژنیتسین^۴ است؛ کتابی که برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ جزئیات نظام اردوگاهی در شوروی سابق را افشا کرد. سولژنیتسین با انتشار خاطرات دوران اقامت پنج ساله‌اش در اردوگاه کار اجباری کاراگاندا^۵، پرده از یک راز تقریباً پنجاه ساله برداشت. لنین، رهبر انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ در روسیه، با قلم خودش ماده ۵۸ قانون مجازات عمومی را تدوین کرد که بر اساس آن گولاگ استالینی پایه‌ریزی شد.

نظام‌های اردوگاهی در چین کمونیست (در دوران مائو) و کره شمالی کمونیست نیز تقلیدی از نظام گولاگ استالینی است. بنا به گفته سولژنیتسین در فاصله سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۵۳ بین چهل تا پنجاه میلیون نفر از اهالی شوروی در گولاگ‌های این کشور زندانی بودند که اکثریت آن‌ها نیز جان خود را از دست دادند. بنا به گفته کانگ چول-هوان اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی اکنون حدود دویست هزار زندانی را در خود جا داده است. هیچ آمار دقیقی از تعداد قربانیان نظام اردوگاهی در کره شمالی طی پنجاه و چند سالی که از حیات این کشور می‌گذرد در دست نیست. نظام توتالیتر / کمونیستی استالین با دو حربه ترور دولتی و گرسنگی دادن به مردم (ناشی از قحطی و سوء مدیریت در امر کشاورزی)، پایه‌های قدرت خویش را محکم ساخت. و این ویژگی نیز عیناً در نظام توتالیتر / کمونیستی کره شمالی قابل مشاهده است.

اکنون مدت‌هاست که نظام‌های اردوگاهی در چین و شوروی سابق برچیده شده

1. Basic Books

2. Chosun Ilbo

3. One Day in the life of Ivan Denisovich

4. Alexander Solzhenitsyn

5. Karaqanda

است. این مکانیسم تنبیهی وحشیانه و غیر انسانی با جهان معاصر هیچ سنخیتی ندارد. اما کره شمالی همچنان اردوگاه‌های خود را حفظ کرده است. عزلت‌گرایی رژیم کره شمالی و پرده آهنینی که به دور این کشور کشیده‌اند، عملاً باعث شده تا جهانیان از وجود این اردوگاه‌ها بی‌خبر بمانند. کانگ چول-هوان با بیان سرگذشت دربار خود و خانواده‌اش بر این حرف معروف سولژنیستین صحه می‌گذارد که «تئوری و عمل کمونیسم هر دو ضد بشری است».

ابعاد فاجعه‌ای که کانگ چول-هوان در کتاب خود توصیف می‌کند فراتر از حد تصور است. حتا در نظام‌های اردوگاهی استالین، اصل فردیت کیفرها به طور نسبی رعایت می‌شد و مجازات تمامی افراد خانواده رویه غالب نبود، اما در کره شمالی امروزی تمامی اعضای خانواده به خاطر جرمی که یکی از اعضای خانواده مرتکب شده، مجازات می‌شوند. در این نظام حتا کودک نوزاد هم مجرم و مقصر است چرا که تصور می‌شود خون ضد انقلابی در رگ‌هایش جاری است. یک بار تئودور آدورنو^۱، فیلسوف و نویسنده آلمانی، گفت: «پس از آشویتس^۲ دیگر بربرصفتی است که کسی شعر بگوید». و این وصف حال اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی امروز است. سولژنیستین در یکی از کتاب‌هایش می‌نویسد: «تصور و نیروی روحی تبهکاران آثار شکسپیر حداکثر به ده دوازده جلد بسنده می‌کرد... چون آن‌ها ایدئولوژی نداشتند» و چه خوف‌انگیز ایدئولوژی کمونیستی در کره شمالی، رگه‌های نژادپرستانه آن است. مجازات و امحای تمامی اعضای یک خانواده «ضد انقلاب» با این توجیه که همه آن‌ها از نوزاد شیرخواره تا پیر مرد هشتاد ساله «ریشه‌های فاسد ضد انقلابی» دارند، برآمده از همین ایدئولوژی کمونیستی خانواده‌پرستانه است.

کره شمالی از حیث اقتصادی و از حیث مکانیسم‌های تنبیهی‌اش یکی از عقب‌مانده‌ترین کشورهای جهان است. بنا به گفته روشه و کیرشهایمر^۳ در دوران فتودالیسم که در آن پول و تولید توسعه چندانی نیافته بود شاهد رشد ساکنانه‌ی مجازات‌های بدنی بودیم؛ گویی در بیشتر موارد، بدن تنها چیز قابل دسترس بود؛ در

1. Theodor Adorno

۲. Auschwitz؛ اردوگاه مخوف آلمان نازی در لهستان.

3. G. Rusche and O. Kirchheimer

کودکی شاد در پیونگ یانگ

در دهه شصت قرن بیستم، مصیبت کراهت شمالی هنوز در افق پدیدار نشده بود. در این هنگام کشور از حیث شرایط اقتصادی در یک رقابت شانه به شانه با جنوب به سر می برد. نخبگان رژیم پیونگ یانگ که امتیازات ویژه ای داشتند چنین جلوه می دادند که گویا وعده های حزب به بار نشسته و اکنون پیروزی نهایی در آستانه تحقق است. می دانم دارم در باره چه چیزی حرف می زنم؛ پیونگ یانگ جایی است که در آن متولد و بزرگ شده ام. حتا سال های خوشی را در این شهر، زیر چشمان مراقب کیم ایل-سونگ («رهبر کبیرمان») و پسرش کیم جونگ-ایل («رهبر عزیزمان») سپری کردم.

در دوران کودکی ام به کیم ایل-سونگ طوری نگاه می کردم که انگار بابائوتل است. او هر سال در روز تولدش برای ما بسته های هدیه، کتک و شیرینی می فرستاد. «رهبر کبیر» محبوبمان خودش با توجه و مهربانی خاصی هدایا را انتخاب می کرد به طوری که هر کدام از این هدایا ویژگی کاملاً یگانه ای پیدا می کردند. همچنین به لطف سخاوتمندی «رهبر کبیر» حق داشتیم هر سه سال یک بار صاحب یک انیفرم مدرسه، یک کلاه و یک جفت کفش بشویم. مادرم می گفت این انیفرم های ساخته شده از پلی استر خیلی بادوام هستند و به راحتی شسته و اتو می شوند. کفش ها هم ظاهراً کیفیت بسیار خوبی داشتند

چون هر روز از آن استفاده می‌کردم اما هیچ وقت پاره نمی‌شدند. مراسم اهدا و توزیع انیفرم‌ها یکی از مراسم بسیار رسمی بود. این مراسم در سالن بزرگ جنب مدرسه‌مان برگزار می‌شد. به همین مناسبت داخل سالن را با انواع شعارهای پلرجه نوشت، پوسترها و تصاویر «رهبر کبیر» آذین‌بندی می‌کردند. والدین بچه‌ها هم حضور داشتند. آن‌ها با دست زدن سخنرانی‌های مدیر مدرسه و نمایندگان پُر تعداد حزب را تأیید و تشویق می‌کردند. سپس نمایندگان دانش‌آموزان به پشت تریبون می‌رفتند و با صدای کودکانه خویش از حزب تشکر می‌کردند و از همه می‌خواستند اتحاد خود را با «رهبر روشن ضمیر» مان مستحکم کنند. آن‌ها همچنین نفرین‌های خود را روانه همه دشمنان کشور، و از جمله امپریالیسم آمریکا، می‌کردند «زیرا این کشور همچنان بخشی از سرزمین پدریمان را در اشغال داشت». در پایان مراسم هدایای ارزشمندی (انیفرم‌ها، کلاه‌ها و کفش‌ها) به نمایندگان دانش‌آموزان سپرده می‌شد تا روز بعد بین دانش‌آموزان توزیع کنند.

کیم ایل-سونگ عملاً حتا از بابائونل هم بهتر بود برای این‌که به نحو زوال‌ناپذیری جوان و دانای کل به نظر می‌رسید. او، همانند پسرش کیم جونگ-ایل که می‌گفتند قرار است جانشین پدر شود، در نظر ما بیشتر شبیه خدا جلوه می‌کرد تا بابائونل. روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون، پوسترها، کتاب‌های درس‌یمان و معلم‌ها هم همین حرف‌ها را می‌گفتند. چنین به نظر می‌رسید که هر کس و هر چیزی بر عظمت رهبر کبیر اذعان دارد. این دو نابغه دهر، این دو عزیز کائنات، با ترکیب کردن نبوغ کرده‌ای منحصر به فرد ما با آرمان‌های انقلاب کمونیستی، موفق به بنای یک بهشت سوسیالیستی برای ما شده بودند. تصور می‌کردیم تیزهوشی سیاسی و دانایی منحصر به فرد کیم ایل-سونگ باعث نجات و سربلندی ملت کره شده است. برای مثال به ما می‌گفتند یکی از شاهکارهای او ایستادگی در برابر تجاوز بی‌رحمانه آمریکایی‌ها و شکست دادن آن‌ها به خفت بارترین شکل ممکن بوده است.

کانگ چول - هوان در کتاب آکواریوم‌های پیونگ‌یانگ قصه واقعی زندگی خود را تعریف می‌کند. این مرد جوان زاده پیونگ‌یانگ در کره شمالی، زمانی که نه سال بیش‌تر نداشت، همراه دیگر اعضای خانواده خود (مادر بزرگ، پدر، عمو و خواهرش) محکوم شد به اقامت در یکی از اردوگاه‌های کار اجباری در کره شمالی. جرم این خانواده، «خطای بزرگی» بود که پدر بزرگ کانگ چول - هوان، یکی از مدیران بلندپایه حکومت کمونیستی کره شمالی، مرتکب شده بود. کانگ چول - هوان و خانواده‌اش پس از تحمل ده سال سختی‌های اردوگاه، آزاد شدند. اما این مرد جوان کره‌ای دو سال بعد از آزادی‌اش تصمیم گرفت از کره شمالی فرار کند زیرا به اتهام گوش دادن به رادیوهای غیرمجاز در آستانه دستگیری و اعزام دوباره به اردوگاه کار اجباری بود. کانگ چول - هوان نهایتاً از طریق چین به کره جنوبی گریخت. وی یکی از معدود جان‌ها به در بردگان از اردوگاه کار اجباری در کره شمالی است که موفق شده صدای خود را به گوش جهانیان برساند.

عکس روی جلد متعلق به استیون یون است که در فیلم آکواریوم‌های پیونگ‌یانگ این‌فای نقش می‌کند.

